

فتح باب شناخت مرمت بازاری

خانه‌های تاریخی یزد

علی ساکت یزدی

مهندس معماری و کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان

مقدمه

انسان برای آنکه به حیات خویش ادامه دهد به ناچار باید شناختی از محیط و پدیده‌ها داشته تا بتواند رابطه‌ی خویش با خود، عالم و پروردگار را درک و تنظیم نماید. در سال‌های اخیر شاهد گسترش جریان و ظهور پدیده‌ای بوده و هستیم که انسان‌ها را از اصالت خویش دور ساخته است که در این نوشتار با توجه به مضمون ویژه‌ی «بازاری» در فرهنگ و ادبیات ایران، «پدیده‌ی بازاری شدن» نامیده می‌شود. پدیده‌ای که تبلور نفسانیت و کسب حداکثری منافع شخصی و مادی افراد یک جامعه می‌باشد. ظهور این پدیده موجب شده است تا انسان‌ها بر اساس مصلحت اندیشی فردی/جمعی عمل کنند و همه وضعیت‌ها و پدیده‌های محیط پیرامون را با خود تعریف نموده و استحاله نمایند. در این بین هنر و فرهنگ به عنوان محمل ارزش‌های معنوی جامعه به علت غایت مادی و کمی‌گرایانه‌ی این پدیده بیشترین آسیب را در مواجهه با پدیده‌ی بازاری شدن متحمل خواهند شد.

پدیده‌ی بازاری شدن

بازار به عنوان محل داد و ستد از گذشته‌های دور جایگاه ارزشمندی در جامعه داشته است. بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این فضا شکل می‌گرفته و از نشانه‌های سلامت و رونق یک شهر یا جامعه، رونق بازار آن بوده است. اما در فرهنگ اصیل ایرانی واژه‌ی «بازاری» علاوه بر معنای معمول خویش که منسوب به بازار و کاسب در نظر گرفته می‌شود. در معناها و مضمون‌های دیگری چون: مبتذل، عامیانه، هرچایی، بی‌اصالت، اثری که در آن دقائق و احساسات هنری وجود نداشته باشد و همچنین بی‌کیفیت به صورت کنایه‌ای نیز استفاده می‌شود که از گونه‌ای عدم تعادل و آسیب در جامعه خبر می‌دهد.

با مذاقه بر روی سرطان به عنوان یک بیماری می‌توان تشخیص داد که سرطان بیماری است که بر اثر رشد نامتوازن یک سلول در بدن انسان به وجود می‌آید و از قضا بدن انسان به همان سلولی که انتشار یافته و موجب آسیب شده است، نیاز حیاتی دارد اما رشد نامتوازن این سلول شرایطی را رقم می‌زند که حیات انسان را به مخاطره می‌کشاند. و بازار هر چند جزء اساسی‌ترین پایگاه‌های اجتماعی یک جامعه می‌باشد اما زمانی که این سلول ارزشمند

برای پیکره‌ی جامعه در اکثر وجوه حیات انسان حضور می‌یابد آسیبی را در جامعه به وجود می‌آورد که همانا پدیده‌ی «بازاری شدن» است.

بارزترین آسیبی که از ظهور این پدیده در جامعه قابل تشخیص می‌باشد اختلال در دستگاه ارزش‌شناسی انسان‌ها است. در پی این آسیب ارزش‌های مادی به عنوان اصل و غایت شمرده می‌شوند و ارزش‌های معنوی که انسانیت را هویت می‌بخشد در بازاری که غایت آن کمیت و پول می‌باشد، فروخته می‌شود و در این صورت محمل‌های ارزش‌های معنوی در جامعه از درون تهی شده و به صورت قالب و پوسته‌ای درمی‌آید در نتیجه می‌توان هنر، مذهب و هر آنچه در زندگی انسان‌ها، ذاتی کیفی دارد و در بازار به ابتذال کمیت کشیده شده و از معنای حقیقی خود تهی شده است را «بازاری» نامید.

مرمت بازاری خانه‌های تاریخی یزد

خاتمه از سرمایه‌های ارزشمندی است که محمل فرهنگ، ادب و آئینه‌ی زندگانی گذشتگانمان می‌باشد؛ معماری‌ای که بر زنجیره‌ی متداومی از آزمون‌ها و تجربه‌ها استوار شده و از این طریق به بنیان‌های مستحکمی دست یافته است. اما امروزه این سرمایه‌های ارزشمند در شهر کهنی همچون یزد، رو به ویرانی و متروک شدن نهاده‌اند. از این رو، خانه‌های سنتی که امروزه بخش عمده‌ای از بافت تاریخی یزد را تشکیل می‌دهند، به تدریج از حیات تهی می‌شوند که در پی آن، بافت تاریخی نیز تدریجاً از پویایی تهی خواهد شد. اما مسئله‌ی مهم دیگر، نوع خاصی از مرمت است که در دوره‌ی معاصر و دهه‌های متأخر در خانه‌های سنتی یزد متداول گردیده است. اقداماتی در جهت مرمت و احیای خانه‌ها انجام شده و در حال انجام است که بسیاری از آنها نه تنها حیات را در معنای حقیقی به خانه باز نگردانده، بلکه در میراندن آن نیز تأثیر چشمگیری داشته و علاوه بر این، کالبد بنا نیز با توجه به فعالیت‌های موقتی و ناکارآمد. در آینده دچار تخریب و آسیب بیشتری خواهد شد. این نوع از مرمت تحت عنوان «مرمت بازاری» نام گذاری شده است. مرمت که رسالتش تطویل عمر بنا و حیات بخشی آن می‌باشد، در این برهه از زمان، خود آسیب‌رسان شده است و بناهای تاریخی در اثر این رویکرد در یک فضای آلوده‌ی ذهنی به دکان تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که اصالت این مرمت به منفعت آن است نه بر تداوم حیات و تطویل عمر اثری که قابل تکرار نمی‌باشد. ثمره‌ی مرمت‌هایی از این دست، معماری مجعولی است که به جای معماری اصیل در اختیار نسل حاضر و آیندگان قرار می‌گیرد. در صورت تداوم و فراگیر شدن این موج مرمت غیر اصولی، چه بسا ماهیت مرمت و معماری اصیل ما در گذر زمان دچار تحریف و استحاله‌ی جدی گردد. ■